

به نام خدا

# تأثیر تدریس نمایشی با داستان های کودکانه بر یادگیری خودراهبر و هیجانات تحصیلی دانش آموزان

مؤلف :

فائزه رضایی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۴)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

**Chaponashr.ir**

سرشناسه: رضایی، فائزه، ۱۳۷۸  
عنوان و نام پدیدآور: تأثیر تدریس نمایشی با داستان های کودکانه بر یادگیری خودراهبر و هیجانات تحصیلی دانش آموزان / مولف فائزه رضایی  
مشخصات نشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۴.  
مشخصات ظاهری: ۱۱۰ ص.  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۱۱۷-۱۲۰-۰  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
یادداشت: کتابنامه.  
موضوع: تدریس نمایشی - داستان های کودکانه - یادگیری خودراهبر  
رده بندی کنگره: TP ۹۸۳  
رده بندی دیویی: ۵۵/۶۶۸  
شماره کتابشناسی ملی: ۹۹۷۶۵۸۸  
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: تأثیر تدریس نمایشی با داستان های کودکانه بر یادگیری خودراهبر  
و هیجانات تحصیلی دانش آموزان  
مولف: فائزه رضایی  
ناشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)  
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر  
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد  
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۴  
چاپ: زیرجذ  
قیمت: ۱۱۰۰۰۰ تومان  
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:  
<https://:chaponashr.ir/ketabresan>  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۱۱۷-۱۲۰-۰  
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵  
[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)



## فهرست

۹.....	پیشگفتار:
۱۱.....	فصل اول: مقدمه.....
۲۰.....	تعاریف مفهومی.....
۲۱.....	فصل دوم: تعاریف عملیاتی.....
۲۲.....	روش تدریس نمایشی.....
۲۲.....	روش تدریس.....
۲۲.....	تعریف روش.....
۲۲.....	تعریف تدریس.....
۲۳.....	شرایط یک تدریس اثربخش.....
۲۴.....	راهکارهای کاربردی یک تدریس اثربخش.....
۲۴.....	آمادگی کامل.....
۲۴.....	داشتن طرح درس.....
۲۴.....	استفاده از شیوه های مناسب تدریس.....
۲۵.....	مشارکت دانش آموزان در فرایند یادگیری.....
۲۵.....	نظارت مداوم بر کلاس.....
۲۵.....	تسلط بر مطالب تدریس.....

- استفاده بهینه از وقت ..... ۲۵
- استفاده از رسانه های کمک آموزشی ..... ۲۵
- به کار گرفتن حواس و مهارت ها و توانایی های مختلف یادگیرندگان ..... ۲۶
- تناسب با شرایط و امکانات محیط و حداکثر استفاده از آن ..... ۲۶
- تناسب با رشد شخصیت و بهداشت روانی یادگیرندگان ..... ۲۶
- کاربردهای ارزشیابی تحصیلی، یادگیری و ارزیابی آن ..... ۲۷
- توانایی جذب دانش آموز ..... ۲۷
- پرورش مهارت های فکری ..... ۲۷
- آموزش روش تهیه گزارش خلاقانه ..... ۲۸
- تدریس و نقش آن در آموزش ..... ۲۸
- نمایش ..... ۲۹
- فن بیان در نمایش ..... ۳۰
- انتقال حس در نمایش ..... ۳۱
- کاربرد نمایش در تعلیم و تربیت ..... ۳۲
- یادگیری خودراهبر ..... ۳۴
- تعریف یادگیری خودراهبر ..... ۳۵
- ویژگی یادگیرندگان خودراهبر ..... ۳۶
- ابعاد یادگیری خودراهبر ..... ۳۷

۳۸	.....	مراحل یادگیری خودراهبر
۴۲	.....	توصیه هایی به معلمان جهت حمایت از یادگیری خودراهبر
۴۴	.....	هیجانان تحصیلی؛ تعریف و نظریه ها
۴۴	.....	تعریف هیجان
۴۴	.....	تعریف هیجانان تحصیلی
۴۵	.....	ابعاد هیجانان تحصیلی
۴۵	.....	هیجانان تحصیلی مثبت
۴۶	.....	هیجانان تحصیلی منفی
۴۹	.....	نظریه های مرتبط به هیجانان تحصیلی
۴۹	.....	نظریه کنترل-ارزش هیجانان پیشرفت پکران
۵۰	.....	پیشینه پژوهش
۵۰	.....	پیشینه پژوهش های داخلی
۵۴	.....	پیشینه پژوهش های خارجی
۵۷	.....	<b>فصل سوم: روش پژوهش</b>
۵۷	.....	روش پژوهش
۵۸	.....	جامعه آماری
۵۸	.....	نمونه و روش نمونه گیری و حجم نمونه
۵۹	.....	ابزارهای پژوهش

۵۹	پرسشنامه یادگیری خودراهبر .....
۶۰	پرسشنامه هیجانات تحصیلی .....
۶۱	تحلیل بر اساس مولفه های پرسشنامه : .....
۶۳	روایی و پایایی پرسشنامه .....
۶۳	روایی ابزار جمع آوری داده ها .....
۶۳	پایایی ابزارهای جمع آوری داده ها .....
۶۳	پایایی گویه های مربوط به هیجان های تحصیلی .....
۶۴	پروتکل آموزشی (روش تدریس نمایشی) برگرفته از پروتکل قاسمی (۱۳۹۹) .....
۶۴	جلسات آموزشی .....
۶۸	طرح مداخله و روش جمع آوری اطلاعات .....
۶۸	روش آماری تجزیه و تحلیل داده ها .....
۶۹	<b>فصل چهارم</b> .....
۷۱	بررسی پیش فرض های پژوهش .....
۷۳	یافته های استنباطی .....
۷۳	بررسی فرضیه اصلی .....
۷۴	بررسی فرضیه فرعی اول .....
۷۵	بررسی فرضیه فرعی دوم .....
۷۷	<b>فصل پنجم</b> .....

۷۷	..... بحث و نتیجه گیری
۷۷	..... فرضیه اصلی
۷۹	..... فرضیه فرعی اول
۸۱	..... فرضیه فرعی دوم
۸۳	..... پیشنهادات کاربردی
۸۴	..... پیشنهادهای پژوهشی
۸۵	..... محدودیت‌های پژوهش
۸۵	..... محدودیت‌های خارج از اختیار محقق
۸۵	..... محدودیت‌های در اختیار محقق
۸۷	..... منابع
۹۹	..... پرسشنامه یادگیری خودراهبر
۱۰۴	..... پرسشنامه استاندارد هیجان‌های تحصیلی پکران
۱۰۷	..... جلسات آموزشی



## پیشگفتار:

هدف از انجام این کتاب اثربخشی روش تدریس نمایشی مبتنی بر داستان‌های کودکان در درس فارسی بر یادگیری خودراهبر و هیجان‌ات تحصیلی دانش‌آموزان پایه ششم مدارس ابتدایی ناحیه ۲ یزد بود. پژوهش حاضر به لحاظ هدف یک پژوهش کاربردی و به لحاظ شیوه جمع‌آوری اطلاعات یک پژوهش نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی مدارس ناحیه دو استان یزد به تعداد ۷۳۰۰ نفر در سال ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بود. برای انتخاب نمونه؛ از روش‌های نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد. بدین صورت که تعداد ۶۰ نفر از دانش‌آموزان به عنوان نمونه انتخاب شده و بر مبنای معیارهای ورود و خروج به دو گروه معادل ۳۰ نفره تقسیم شده و با گزینش تصادفی، گروه‌های آزمایش و کنترل تعیین شد. ابزار گردآوری از پرسشنامه یادگیری خود راهبر توسط ویلیامسون (۲۰۰۷) و پرسشنامه هیجان‌های تحصیلی پکران و همکاران (۲۰۰۵) و پروتکل آموزشی تدریس نمایشی (قاسمی، ۱۳۹۹) استفاده شده است. اطلاعات و داده‌های حاصل شده از این پژوهش، از طریق نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۳ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و اطلاعات با استفاده از روش آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (تحلیل کوواریانس یک‌راهه) برای بررسی فرضیه‌های پژوهش استفاده گردید. نتایج نشان داد که روش تدریس نمایشی در درس فارسی مبتنی بر داستان‌های کودکان بر یادگیری خودراهبر دانش‌آموزان تاثیر دارد. روش تدریس نمایشی در درس فارسی مبتنی بر داستان‌های کودکان بر هیجان‌ات تحصیلی دانش‌آموزان تاثیر دارد.



## فصل اول:

### مقدمه

یادگیری خودراهر از اهداف آموزشی مهمی محسوب می‌شوند. مفهوم یادگیری خودراهر از آموزش بزرگسالان نشأت گرفته است. به دلیل مزایای مربوط به یادگیری خودراهر، محیط‌های آموزشی و سازمانی به طور جدی بر اهمیت آن تأکید می‌ورزند و ارزش آن به عنوان یک مهارت لازم برای آموزش و کار در قرن بیست و یکم مورد توجه قرار گرفته است. با تغییرات مداوم و سریع در علوم، کسب موفقیت به وسیله داشتن مجموعه‌ای از دانش‌ها و مهارت‌ها تضمین نمی‌گردد، بلکه به وسیله توانایی افراد در یادگیری از شرایط و توانایی دنبال کردن یادگیری‌های جدید میسر می‌گردد. تولید فراینده دانش، اطلاعات و پیشرفت‌های تکنولوژی سبب گردیده است که عمر دانش و اطلاعات علمی کوتاه باشد. برای چیره شدن بر این شرایط به جای انتقال مجموعه‌ای از دانش و اطلاعات به افراد، باید آنها را تبدیل به فراگیرانی مادام‌العمر نمود. با توجه به ضرورت یادگیری مادام‌العمر، نظریه یادگیری خودراهر به طور روزافزون به عنوان یک الزام مطرح می‌شود (بوالهویس، ۲۰۲۰).

هیجانان تحصیلی از جمله منابع مهم روانشناختی افراد در موقعیت‌های تحصیلی هستند که بر فعالیت‌های زیادی از جمله توجه، تمرکز و به طور کلی فرآیند یادگیری تأثیر دارند (تجربه کار و همکاران، ۱۳۹۹). مطابق با نظریه کنترل-ارزش هیجانان پیشرفت پکران (۲۰۰۶) و بر اساس پیشینه پژوهش هیجانان تحصیلی به طور مستقیم با نتایج تحصیلی در ارتباط مستقیمی هستند (شائو و همکاران، ۲۰۲۰<sup>۳</sup>؛ بهانسالی و شارما، ۲۰۲۰) که عملکرد دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار داده و به دنبال آن موجب افزایش یادگیری، بالا رفتن سطح عملکرد و پیشرفت تحصیلی می‌شوند (پوتوین و همکاران، ۲۰۲۱<sup>۵</sup>). همچنین هیجانان تحصیلی به ویژه هیجانان سازنده و مثبت می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تا به طور فعال در جستجوی فرصت‌ها و منابع یادگیری باشند

---

<sup>۱</sup>Bualhuis

<sup>۲</sup>Pekran

<sup>۳</sup>Shao et al

<sup>۴</sup>Bhansali and Sharma

<sup>۵</sup>Potvin et al

و تلاش و استمرار بیشتری در موقعیت‌های تحصیلی از خود نشان دهند. برعکس، افراد با هیجانات منفی تحصیلی (مانند اضطراب و خستگی)، از احساس تشویش و ناراحتی، نگرانی و تمایل به اجتناب رنج می‌برند (دراکشان و همکاران؛ ۲۰۱۹).

معمولاً روشهای تدریس در فرآیند برنامه‌ریزی درسی، بعد از مشخص کردن اهداف و محتوا و قبل از تهیه و تولید مواد آموزشی انتخاب می‌گردد. معلم برای تدریس اثربخش و ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار فراگیران، باید درباره چگونگی یادگیری آنان اطلاعاتی داشته باشد و توجه کند که اولاً فعالیتی که به یادگیری منجر شود تدریس است و ثانیاً او هرگز یاد نمی‌دهد بلکه شرایط یادگیری را تسهیل می‌کند (خورشیدی، ۱۴۰۲).

روش تدریس نمایشی بر مشاهده و دیدن استوار است. در این روش، افراد مهارت‌های خاصی را از طریق دیدن فرا می‌گیرند و معلم طرز کاربرد وسیله‌ای یا چگونگی ساختن یک شیء را نشان می‌دهد. با استفاده از این روش، معلم می‌تواند مهارتی را به تعداد زیاد از شاگردان و در طی زمانی کوتاه ارائه دهد. مهمترین برتری این روش به کارگیری اشیاء حقیقی و واقعی در آموزش است. البته این روش به تنهایی به کار نمی‌رود و معلم ضمن ارائه روش نمایشی، ناچار به استفاده از روش سخنرانی نیز می‌باشد. از روش نمایشی برای درسهای که جنبه عملی و فنی دارند بیشتر می‌توان استفاده کرد (شعبانی، ۱۴۰۱).

زبان فارسی به عنوان یکی از زبانهای غنی و کهن دنیا و زبان دوم اسلام، به لحاظ گستره واژگانی و توانایی‌های خود، در ردیف زبانهای مهم دنیا جای دارد و از ارزش شایانی برای انتقال مفاهیم دوستی و معانی بلند برخوردار است. زبان فارسی امروز بی‌گمان در ایجاد پیوند دوستی ملل همجوار و سایر ملت‌ها در تحقق و شکل‌گیری طرح گفت و گوی ملت‌ها و تمدن‌ها نقش بسزایی ایفا می‌کند و بیش از پیش توانسته است توجه جهانیان را به خود جلب کند و آنها را به اندیشیدن در ایجاد روابط و پیوندهای دوستی با این زبان تشویق کند. زبان فارسی که عهده دار برقراری ارتباط بین ملل مختلف دنیا شده، به همین سبب در پیشرفت فرهنگی و هنری در زبانهای سایر ملل و کشورها تأثیرگذار بوده است. پس اگر از جنبه‌های فرهنگی، ادبی، علمی و تمدن‌های کهن جهانی به این قضیه بنگریم، ضرورت آموزش زبان و ادبیات فارسی محسوس می‌گردد. معلم علاوه بر پرورش استعدادها و ایجاد خلاقیت و نوآوری در دانش‌آموزان وظیفه آموزش آنان را نیز بر عهده

دارد و باید با استفاده از روشهای گوناگون تدریس مفاهیم درسی را به صورت جذاب و تاثیر گذار به دانش‌آموزان منتقل کند (فرهنگی، ۱۳۹۴). در این پژوهش به بررسی اثربخشی روش تدریس نمایشی در درس فارسی مبتنی بر داستان‌های کودکانه بر یادگیری خودراهبر و هیجانات تحصیلی دانش‌آموزان پرداخته شده است.

نقش مهم آموزش و پرورش، افزایش ظرفیت دانش‌آموزان برای رشد و نمو فردی، اجتماعی و یادگیری درسی است و امروزه آموزش و پرورش بیش از هر زمان دیگری به بازنگری شیوه‌های تدریس نیاز دارد و فشاری که نحوه درست یادگیری بر مدیران و معلمان مدارس، اساتید حوزه و دانشگاه و مراکز آموزشی دیگر وارد آورده، چشمگیر است. توجه به مسایل مربوط به دانش‌آموزان به عنوان آینده سازان جامعه اهمیت ویژه‌ای دارد. چرا که بهبود وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان، یکی از اهداف اساسی نظام های آموزش و پرورش معاصر است (یاسمی نژاد، طاهری، گل محمدیان و احدی، ۱۴۰۲). یکی از مسائل مهم، مساله هیجانات تحصیلی<sup>۱</sup> آنها است. هیجان‌ها همیشه در محیط‌های آموزشی حضور دارند. این هیجان‌ها، به احتمال زیاد بر آمادگی، انگیزه برای مقابله با مشکلات و تلاش‌های یادگیرندگان و حتی راهبردهای مورد استفاده آن‌ها برای درک مطالب تاثیر می‌گذارد (آرتینو، هولمبو و دیورینگ، ۲۰۲۲) هیجان به عنوان یک حالت ذهنی مفهوم‌سازی شده است که با واکنش‌های فیزیولوژیکی و پاسخ‌های ارزیابانه به برخی از اعمال، شرایط یا حوادث همراه است (کوکورادا،<sup>۲</sup> ۲۰۱۶) و یا به عنوان واکنش‌های ارزیابانه کلی به تجارب یادگیری و آموزش، مطالبات پیشرفت، پیامدها و بازخورد در نظر گرفته می‌شود (گلاسر و استوچلیکوا،<sup>۳</sup> ۲۰۲۳). در همین رابطه پکران<sup>۴</sup> (۲۰۰۶) اظهار می‌کند که هیجان‌هایی که مستقیماً با فعالیت‌ها یا پیامدهای تحصیلی رابطه دارند، به عنوان هیجانات تحصیلی تعریف می‌شوند. این اصطلاح برای اولین بار توسط پکران در زمینه آموزش بکار گرفته شد و می‌توانند به صورت مثبت (بطور مثال: افتخار، لذت، امید) یا منفی (خستگی، خشم، اضطراب)، فعال (لذت، افتخار یا خشم) یا غیر فعال (شرم) باشند (تایسون، لیننبرینک، هیل،<sup>۵</sup> ۲۰۱۹) که در تمامی

<sup>۱</sup>Academic excitement

<sup>۲</sup>Artino, Holmboe, Durining

<sup>۳</sup>Cocorada

<sup>۴</sup>Glaser, Stuchlikova

<sup>۵</sup>Pekrun

<sup>۶</sup>Tyson, Linnenbrink, & Hill

موقعیت‌های تحصیلی (قبل، حین و بعد از کلاس، مطالعه و آزمون) تجربه می‌شوند. یکی از عواملی که می‌تواند هیجانات تحصیلی دانش‌آموزان را در حیطه‌ها و حوزه‌های گوناگون کنترل کند یادگیری خودراهبر می‌باشد. همه ما می‌دانیم که امروزه، نظام‌های آموزش عالی بسیاری از کشورهای پیشرفته جهان می‌کوشند تا افراد را به صورت انسان‌های خودراهبر پرورش دهند. چرا که یک نظام آموزشی در صورتی دارای ارزش افزوده خواهد بود که دانش و نگرش و توانایی‌های کسب شده دانش‌آموختگان آن به منظور به دست آوردن تجربه در فرایند تحصیل در آن نظام حاصل شده باشد (تعمی، ۱۳۹۱؛ به نقل از البرزی، خوشوقت، زکی زاده، ۱۴۰۰). در واقع ادراکات و انتظارات افراد اصلی‌ترین عامل در جهت رسیدن به این راهبرد می‌باشد (البرزی و همکاران، ۱۴۰۰). ویلیامز می‌نویسد که دانش‌آموزان باید با درک و توانمندی لازم برای درگیری در یادگیری مستمر برای ارتقای توانمندی خود پا به دوره‌های حرفه‌ای بگذارند. تحقیقات نشان داده است که دانش‌آموزان نیازمند دریافت آموزش‌ها و حمایت‌های لازم برای ایجاد مهارت‌های مربوط به یادگیری در خود می‌باشند و تبدیل فراگیران به یادگیرندگان خودراهبر باعث خواهد شد که آنها خود بتوانند نیازها و اهداف یادگیری خود را متناسب با دانش موجود تعیین کنند.

خودراهبری در واقع فرآیندی است که در آن فراگیر با کمک یا بدون کمک دیگران به تشخیص نیازها تنظیم اهداف، شناسایی منابع مادی و انسانی برای یادگیری، انتخاب و اجرای راهبردهای مناسب یادگیری و ارزشیابی پیامدهای یادگیری خویش می‌پردازند و ابتکار عمل را به دست می‌گیرد. خودراهبری را می‌توان میزانی از مسؤلیت فراگیر که برای یادگیری خودش می‌پذیرد، تعریف کرد. خودراهبری در یادگیری رفته رفته یک جنبه و یک برنامه اصلی روزافزون در آموزش عالی می‌شود (فرس، ۲۰۱۳؛ به نقل از محمدی، ۱۳۹۷). خودراهبری در یادگیری، یک رویکرد به فرایند یادگیری است که فراگیران را به شناسایی مقاصد یا نیازهای یادگیری خودشان از طریق شناخت مشترک و تصمیم‌گیری مشارکتی ترغیب می‌کند، این رویکرد به فراگیران اجازه می‌دهد راهبردهای یادگیری را به منظور رسیدن به این نیازها به کار ببرند. راهبردهایی چون جستجوگری، یادگیری مستقل و تکنیک‌های تجربی، تکوین و توسعه یک ارزیابی از پیشرفت

---

<sup>۱</sup>Self-driving

<sup>۲</sup>farce

فردی و گروهی به سوی دستیابی به اهداف تعریف شده، جزء جدایی ناپذیر این رویکرد می باشد (محمدی، ۱۳۹۷).

یکی از عواملی که می تواند بر یادگیری خودراهبر دانش آموزان اثربخش باشد کیفیت تدریس معلمان یا به عبارتی کاربرد روش های تدریس مطلوب توسط معلمان است. روش های تدریس امروزه بشر در سایه رشد فناوری هر لحظه بر اطلاعات و یافته های خود می افزاید و نظام های آموزشی موظف هستند این اطلاعات حجیم را به یادگیرندگان خویش انتقال دهند؛ از طرف دیگر، یکی از اهداف اساسی هر برنامه درسی و به تبع آن مدارس، شناخت مسائل اجتماعی و یافتن راه حل های منطقی و اثربخش برای مسائلی است که عناصر سازنده آن در جوامع مختلف متفاوت است و نمی توان با استفاده از برنامه های درسی یکسان و با کاربست روش های آموزشی غیرفعال و عمدتاً از طریق کتابهای درسی و معلم مسائل را حل و فصل کرد و دانش اطلاعات را انتقال داد؛ بلکه باید با تدوین برنامه های درسی مناسب، متنوع و مؤثر و به کارگیری روش های فعال آموزشی پرورش مهارت های زندگی در یادگیرندگان را تقویت کرد تا آنان خود بتوانند به کسب دانش و حل مسائل مختلف اجتماعی مبادرت کنند. ایجاد بینش های جدید در معلمان، نسبت به امور آموزشی و تربیتی بیش از دانش افزایی آنها اهمیت دارد؛ چرا که معلمان بیش از انتقال دانش، نقش هدایت و رهبری فراگیران را به عهده دارند (ویسکرامی و همکاران، ۲۰۲۲). معلمی، از جمله اموری است که نقش بسیار مهمی را در زندگی بشر ایفا می کند. معلم، با تاثیر همه جانبه بر روی فراگیران، مسیر زندگی آنان را جهت دهی می نماید. از معلمان خواسته می شود همه دانش آموزان را به استانداردهای پیشرفت بالای تحصیلی ارتقاء بخشند و معلم خوب و شایسته علاوه بر داشتن دانش کافی از رشته خود، به طور مستمر خود را در جریان آخرین تحولات تعلیم و تربیت قرار می دهد. از آنجا که هیچ فردی همچون معلم نمی تواند تاثیر بیشتری داشته باشد؛ جامعه، دولت و به ویژه آموزش و پرورش نیز باید به این اطمینان برسند که اگر پرورش شهروندانی شایسته می خواهند؛ باید به معلم رجوع نمایند. تدریس کار ساده ای نیست و به کار بردن روش تدریس، یک هنرمندی قوی نیاز دارد و همچنین معلمی کار هر کس نیست. این گونه نیست که همگان خود را معلم دانسته و تدریس را امری ساده و پیش پا افتاده بپندارند. مسئله ای که مدتهاست برخی مدارس آموزش و پرورش دچار آن شده اند به کارگیری نیروهای غیر متخصص است که